

بررسی ظرفیت های فقه
در مبارزه با قاچاق کالا و ارز

میلاذ قطبی^۱

چکیده

قاچاق به عنوان یک معضل، مضرات فراوانی برای اقتصاد کشور دارد و منشا بسیاری از مشکلات خواهد بود و به همین جهت، مقابله با آن از ضروریات کمک به اقتصاد و خصوصاً تولید داخلی است. موضوع قاچاق در فقه به عنوان یک موضوع مستحدثه مطرح شده، و البته به استناد بسیاری از مسلمات فقهی، از جمله قاعده نفی سبیل، اکل مال به باطل، قاعده لاضرر، قاعده حفظ نظام و ... یک فعل حرام است و مرتکبین آن مستحق مجازات تعزیری و چه بسا با تحقق همه شرایط، مستحق اعدام خواهند بود. تحقیق پیش رو با هدف تبیین ظرفیت‌های فقه برای مقابله با قاچاق و مجازات مرتکبین آن نگاشته شده و همچنین با نگاهی به پیشینه این موضوع به پی جویی مصادیقی برای تطبیق با جرم قاچاق نیز همت گمارده و موضوعیت قاچاق و اخذ گمرک در دوران گذشته را منعکس نموده است.

کلیدواژه‌ها: قاچاق، عشار، ظرفیت‌های فقهی، مجازات تعزیری

مقدمه

در دنیای امروز به دلیل گستردگی روابط اقتصادی و پیچیدگی‌های خاص آن قوانین و مقررات مختلفی برای تنظیم روابط اقتصادی، کنترل بازار، ایجاد تعادل و ... مقرر شده است. از مهمترین موارد پیش گفته، رسیدن به استقلال اقتصادی و توان اعمال حاکمیت در زمینه اقتصاد است که نمود بارز آن اهمیت به موضوع تولید ملی و خود کفایی در ابعاد مختلف اقتصادی است. یکی از موانع مهم بر سر راه شکوفایی اقتصاد داخلی و رشد و نمو تولید ملی، معضلی به نام قاچاق^۱ است.^۲ در واقع قاچاق تأثیرات فراوان و البته مخربی بر اقتصاد کشورها دارد و این مضرات در مورد کشورهایی که سعی در کنترل و مدیریت تولید، ورود و صدور کالا در کشور خود دارند به مراتب بیشتر خواهد بود، به عنوان مثال کشوری که در زمینه تولید کالایی خاص توانمندی ندارد، ضرر کمتری به نسبت کشوری که همان کالا را در داخل تولید می‌کند، خواهد کرد. ضمن اینکه قاچاق کالا بر خلاف تجارت رسمی کشور صورت می‌گیرد و نوع، قیمت و میزان کالای قاچاق، مشخص نیست بنابراین برنامه ریزی‌های تولید و سیاست‌های تجاری دولت و بخش خصوصی را کاملاً مختل کرده و امکان پیش بینی معقول بازار را سلب می‌کند. همچنین در حوزه قاچاق ارز افزایش و کاهش نرخ ارز در بازار آزاد به علت ورود ارز قاچاق، توازن بازار را به هم ریخته و حتی موجب اثرات تورمی نیز خواهد شد. (معاونت طرح و برنامه گمرک، ۱۳۸۱: ۴۸)

افزایش فقر، اخلال در سیاست‌های اقتصادی دولت، تضعیف عدالت و افزایش

۱. امروزه قاچاق ابعاد بسیار مختلفی پیدا کرده و در بعضی موارد مانند قاچاق انسان و یا اسلحه اساساً وجه سیاسی و امنیتی آن از جنبه منفعت مالی آن پر رنگ‌تر می‌نماید. لکن مقصود ما در این نوشتار از قاچاق، قاچاق کالا و ارز خواهد بود که البته قصد ورود به جزئیات این قسم از قاچاق را نیز نداریم و صرفاً به توضیحاتی کلی از تعریف آن پرداخته و تأکید اصلی بحث بر مباحث فقهی خواهد بود.

۲. رواج قاچاق، یک معضل بزرگ است. یک عده راه قاچاق را که راه بسیار ناسالمی است را در پیش گرفته‌اند؛ هم به مردم هم به استان ظلم می‌کنند، تولید داخلی را به شکست می‌کشاند و ... (مقام معظم رهبری، بیانات در جمع مردم ارومیه، ۱۳۷۵/۶/۲۷)

انحصار و رانت خواری، بروز مشکلات پولی در فعالیت‌های اقتصادی، اختلال در آمارها و داده‌های اقتصادی، افزایش گرایش از تجارت رسمی به سمت قاچاق، صدمه به تولید داخل، اخلال در توسعه مناطق مرزی و کاهش درآمدهای دولتی از جمله مهمترین مضرات و تهدیداتی است که برای قاچاق ذکر شده است. (وطن پور، ۱۳۹۰: ۱۶۰-۱۷۳) قاچاق در اسناد بین الملل و مقررات سایر کشورها نیز به عنوان یک جرم مطرح است و کشورها قوانین مختلفی در این زمینه به تصویب رسانده اند.^۱

اما موضوع قاچاق در مواجهه با علم فقه یک امر مستحدثه^۲ تلقی شده است چرا که فقهای متقدم راجع به بحث قاچاق و مذموم بودن آن مطلبی در مباحث فقهی خصوصا در باب متاجر و مکاسب محرمه بیان نکرده‌اند، همچنین با دقت در سیره معصومین^{علیهم السلام} و مشخصا دوران حکومت پیامبر گرامی اسلام(ص) و حکومت امیرمومنان علی(ع) اقدامی که قابلیت تطبیق دقیق با موضوع قاچاق را داشته باشد وجود ندارد. هر چند ممکن است مواردی مشابه در فقه و در سیره معصومین^{علیهم السلام} که دارای قرابتی با موضوع قاچاق است مطرح باشد که در نوشتار پیش رو به پی جویی این موارد نیز خواهیم پرداخت. موضوع قاچاق نیز همانند بسیاری از موضوعات دیگر که در حکومت‌های امروزی بروز پیدا کرده و می‌کنند خالی از حکم شرعی نبوده و اساسا یکی از کارویژه‌های فقه و عالمان آن استنباط احکام شرعی مواردی از این دست می‌باشد. بسیاری از مسلمات فقهی و همچنین عموماتی از مبانی فقهی در این زمینه وجود دارند که می‌توان به استناد آنها، موضوع قاچاق را جرم و یک امر قابل مجازات

۱. برای اطلاعات بیشتر در زمینه قوانین کشورهای ژاپن و برونی به آدرس زیر مراجعه فرمایید:

احمدی، عبدالله، جرم قاچاق، انتشارات میزان، تهران، ۱۳۸۲، صص ۳۶-۴۰

۲. مسائل مستحدثه اینگونه تعریف شده‌اند: «پرسش‌های نوپیدای هر موضوعی، آن گاه نوپیدایند که حکم شرعی بطلبند، خواه آن که پیش‌تر حکم شرعی برای آن پرسش‌ها وجود نداشته و خواه که حکم شرعی برای آنها وجود داشته؛ اما پاره‌ای از قیده‌های آنها دگرگون شده است، مانند پول‌های اعتباری که پیش‌تر وجود نداشته‌اند و یا مانند اعتبار مالیت برای چیزهای نجس که پیش‌تر مالیت نداشته‌اند.»(جمعی از مؤلفان، بی تا،

ج ۷: ۷۷)

دانست کما اینکه هم اکنون به فتوای فقها، قاچاق یک عمل غیرمجاز و خلاف شرع معرفی شده است. تحقیق پیش رو با هدف معرفی ظرفیت‌های فقه در مواجهه با این معضل مهلک نگاشته شده است چه اینکه امروز مباحث و ابهاماتی راجع به کیفیت مبارزه با قاچاق در ابعاد مختلف آن وجود دارد؛ به عنوان مثال راجع به حکم اعدام در مورد قاچاقچیان مواد مخدر ابهاماتی وجود دارد؛ توضیح بیشتر اینکه از آنجا که دسترسی به افراد اصلی در تهیه و توزیع مواد مخدر کم و یا غیرممکن است، عموماً افراد واسطه که عدم آگاهی و یا نیازهای اقتصادی، آنها را به ورطه حمل و نقل مواد کشانده است مشمول مجازات‌های سنگین می‌شوند، بنابراین مجوز شرعی برای اعمال مجازات اعدام در مورد خرده فروشان و مصرف کنندگان جز، به راحتی نمی‌تواند مورد اجماع باشد.^۱ بنابراین سوال اصلی این تحقیق این خواهد بود که آیا علم فقه ظرفیت مقابله با معضل قاچاق را به عنوان یک موضوع مستحدثه دارد یا خیر؟ و راهکاری آن در این زمینه چیست؟

فرضیه نوشتار پیش رو نیز این است که اگر چه موضوع قاچاق صراحتاً در متون فقهی مورد دقت نبوده است لکن وظیفه دولت اسلامی در زمینه تنظیم بازار و کنترل اقتصاد حکومت، بر کسی پوشیده نیست و با استناد به مسلمات و عموماً فقهی از جمله قاعده لاضرر، اخلال در نظام، حکم حکومتی، اصل رعایت مصلحت عمومی و اکل مال به باطل قاچاق جرم و شایسته مجازات است و حکومت اسلامی می‌تواند به انحاء مختلف با این معضل مقابله کند. مطالب مذکور طی سه بخش اصلی ارائه خواهند شد؛ در بخش اول به مفهوم شناسی قاچاق و در بخش دوم به توضیح پیشینه آن خواهیم پرداخت. در بخش سوم مواجهه فقه با جرم قاچاق مورد بررسی قرار خواهد گرفت که ابتدا مبانی و مستندات فقهی تحریم قاچاق و سپس مجازات‌های آن تبیین می‌شود.

۱. قابل دسترسی در آدرس:

<http://b2n.ir/322753>

۱. مفهوم شناسی

قاچاق یک لغت ترکی است که در کتب لغت اینگونه تعریف شده است: «قاچاق عبارت است از آنچه ورود آن به کشور یا معامله‌ی آن از طرف دولت ممنوع است». (دهخدا، ۱۳۳۹، ج ۲۲: ۱۸)

«قاچاق، کاری است پنهانی و خرید و فروش کالاهایی که در انحصار دولت بوده و یا معامله آنها ممنوع می‌باشد، وارد یا صادر کردن کالاهایی که ورود یا صدور آنها ممنوع است». (عمید، ۱۳۶۵، ج ۳: ۱۸۶۸)

همچنین گفته شده: «قاچاق کاری بر خلاف قانون که پنهانی انجام شود یا متاعی است که معامله یا ورود آن به کشور ممنوع باشد». (معین، ۱۳۶۴، ج ۲: ۲۶۰۷)

مفهوم قاچاق در ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳ اینگونه آمده است: «هر فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد و براساس این قانون و یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد، در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود.»

قابل ذکر است قاچاق در کنوانسیون ۱۹۷۷ اینگونه تعریف شده است: «تقلب گمرکی که شامل گذراندن مخفیانه کالا به هر طریقی از مرزهای گمرکی می‌باشد، که بدان وسیله شخصی موجب اغفال گمرک و فرار از پرداخت تمام یا بخشی از مالیات‌ها و عوارض مربوط به ورود یا صدور شده یا اجرای ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های موضوع قانون امور گمرکی را نادیده گفته و یا منافی مغایر یا قانون امور گمرکی به دست آورد.» (احمدی، ۱۳۸۲: ۴۱)

همانطور که از تعاریف مذکور استنباط می‌شود قاچاق به صورت پنهانی انجام شده و منحصر در کالاهای ممنوعه مثل مشروبات الکلی نیست و در برخی موارد دولت ورود و خروج برخی کالاهای مجاز را نیز ممنوع اعلام می‌کند. همچنین در برخی موارد کالا کاملاً به صورت پنهانی و مخفیانه وارد یا صادر نمی‌شود و ممکن است با اسناد و

مدارک مخدوش و جعلی، هزینه گمرک پرداخت و یا میزان آن کاهش یابد، یا اینکه به نحوی مقررات آمره ورود و خروج کالا رعایت نشود که این دست موارد نیز مشمول عنوان قاچاق خواهد بود.

اما آیا موضوع قاچاق با مشخصاتی که ذکر شد در گذشته نیز مطرح بوده است یا خیر؟ در پاسخ باید گفت هم اکنون و به لحاظ فقهی، قاچاق به عنوان یک موضوع مستحدثه مطرح است لکن تا حد امکان در پیشینه فقهی آن غور خواهیم کرد و مطالبی را بیان می‌کنیم.

۲. پیشینه تاریخی

از جهت تاریخی از زمانی که داد و ستد در حکومت‌ها دارای نظم شد و حاکمان به اهمیت و منافع آن پی برده‌اند ورود و خروج کالا دارای نظاماتی بوده و مبالغی در ازای آن اخذ می‌شده است. اسناد تاریخی قدمت اخذ عوارض ورود و خروج کالا را در دوره های هخامنشی و ساسانیان نشان می‌دهد که در حکومت‌های بعد از آن نیز رایج بوده است. (بهادر، ۱۳۹۰: ۳۱)

با دقت در متون فقهی و روایی به این نتیجه می‌رسیم که گویی موضوع اخذ عوارض ورود و خروج کالا که عدم پرداخت آن یکی از مصادیق بارز قاچاق است در صدر اسلام نیز رواج داشته^۱ و آنطور که به نظر می‌رسد لزوماً موضوع مستحدثه‌ای نیست و شاید دلیل عمده‌ای که باعث مستحدثه خواندن موضوع قاچاق شده این است که اولاً برای قاچاق مجازات حدی در نظر گرفته نشده و عموماً در غالب تعزیر بوده

۱. لازم به ذکر است قطب الدین راوندی روایتی از زمان حضرت ابراهیم(ع) نقل کرده است که وجود گمرکچی و اخذ عوارض کالا در آن دوره را نیز به اثبات می‌رساند. این واقعه به زمانی مربوط می‌شود که حضرت ابراهیم به همراه ساره از قلمرو تحت حکومت نمرود خارج می‌شود لکن برای ورود به منطقه ای جدید گمرکچی مانع از ورود ایشان می‌شود و عوارض ورود صندوقی را از حضرت مطالبه می‌کند که ایشان ساره را در آن صندوق پنهان کرده بودند و (راوندی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۹۲۹) این داستان را علامه طباطبایی(ره) در تفسیر المیزان نیز نقل کرده اند.

است و ثانيا در اغلب موارد، عوارض توسط حاکمان جائز از مردم گرفته شده و این کار به جهت کمک به حاکم ظالم غیر مشروع تلقی شده است.

اما مستندات مدعای مذکور اینکه؛ در صدر اسلام و در دوران پیامبر اکرم (ص) و حضرت امیر (ع) نیز کسانی بودند که مامور اخذ عوارض ورود و خروج کالا، مالیات، خراج، زکات و ... بودند که ظاهرا گاهی اوقات یک نفر همه این امور را انجام می‌داده و در برخی موارد نیز هر کدام از امور مذکور را یک نفر بر عهده داشته است. این افراد در ادبیات فقهی و روایی تحت عنوان "عَشَار" نامیده می‌شدند.

لغت عشار در معانی مختلفی استفاده شده است به عنوان مثال صاحب کتاب ناسخ التواریخ، عشار را اینگونه ترجمه کرده است: «کسی که به عنوان مالیات و گمرک، ده یک گیرد» (لسان الملک سپهر، ۱۳۸۰، ج ۴: ۲۱۱۷) همچنین مرحوم محدث نوری عشار را به « راه‌دار، باج‌گیر، خراج‌ستان» (نوری، ۱۳۸۴، ج ۲: ۷۱۶) معنا کرده است. همچنین در ترجمه تحت اللفظی عشار، بسیاری این لغت را علاوه بر «خراج‌ستان، محصل مالیات، عامل زکات و گمرکچی به " یک دهم بگیر" یا " یک ده ستان» ترجمه کرده‌اند. (دهخدا، ۱۳۳۹، کلمه عشار) و (عمید، ۱۳۶۵، کلمه عشار) علت ترجمه‌های مذکور این است که در گذشته عَشَار به کسی می‌گفتند که به دستور حاکم ستمگر بابت عوارض و مالیات ورود کالاهای بازرگانان به مرزها و شهرها، یک دهم آن اموال را از آنان دریافت می‌کرد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۲۵۴۱) صاحب کتاب لغتنامه مجمع البحرین به کسانی عشار اطلاق کرده است که به دستور ظالمان یک دهم اموال مردم را از آنها می‌گرفتند. (طریحی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۴۰۴) بنابراین اینکه عشار را برخی ربا خوار ترجمه کرده‌اند بنا بر ترجمه‌هایی که از کتب لغت فارسی و عربی آورده‌ایم اشتباه است و به قطع می‌توان گفت عشار به کسانی گفته می‌شد که توسط حکام به گرفتن گمرک و مالیات از مردم مامور می‌شدند و چنانچه از نقل ابن اثیر مشخص می‌شود،

دوماهنامه اقتصاد نپهان
سال اول
شماره دوم
پیاورد ۱۳۹۶



۱. و هو أخذ العشر من أموال الناس بأمر الظالم

گرفتن عوارض کالا در حکومت‌ها مرسوم بوده و به عنوان مثال نقل کرده‌اند که سلطان ملک شاه در سال ۴۷۰ ه. ق عوارض واردات (عشر اموال) را به عراق لغو کرد. (ابن اثیر، بی تا، ج ۲۳، ۱۳۴)

در روایات رسیده از معصومین علیهم السلام موارد فراوانی وجود دارد که شخص عشار مورد نکوهش و مذمت قرار گرفته است به عنوان مثال در کتاب شریف من لا یحضره الفقیه در بخشی از وصیت رسول اکرم (ص) به علی (ع) چنین آمده است: خدای جل جلاله فرموده‌اند سوگند به عزت و بزرگی‌ام این افراد را وارد بهشت نمی‌کنم؛ کسی که باده‌گساری کند، سخن چین، مردی که همسرش زنا می‌کند، مردی که خود را شبیه زن کند، کسی که نبش قبر کن، گمرکچی و کسی که صله رحم را قطع کند و ...^۱ (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴: ۳۵۶)

همچنین صاحب اصول کافی به نقل از شهید اول از کتاب القواعد و الفوائد ایشان چنین نقل کردند که یکی از بدعت‌های حرام ایجاد شده در دین «اخذ گمرک»^۲ است و شهید اول در این زمینه ادعای اجماع فریقین کرده است. (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۵۹۱)

حدیث دیگری از رسول گرامی اسلام (ص) نقل شده که فرمودند: کسی که در مورد ادای حق کسی، امروز و فردا کند، با این که توانایی دادن آن را دارد، هر روز گناه یک دهم بگیر (گمرکچی، خراج بگیر)، برگردن او خواهد آمد. (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ۳۳۳)

اما در زمینه اخذ عوارض، روایات دیگری هم رسیده است؛^۳ به عنوان مثال مجلسی اول ضمن نقل روایتی از حضرت امیر (ع) مبنی بر اینکه عوارض کالا به جای زکات محسوب می‌شود چنین آورده که: علی (ع) برخی از والیان را به هر دلیل نتوانست عوض کند و آنها مطابق گذشته از مردم عوارض کالا می‌گرفتند و در کوزه‌ای مخصوص

۱. قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَّالُهُ وَعِزَّتِي وَجَلَّالِي لَا يَدْخُلُهَا مُدْمِنٌ خَمْرٍ وَلَا نَمَامٌ وَلَا دَيْوُوتٌ وَلَا شَرْطِيٌّ وَلَا مُخَنَّتٌ وَلَا نَبَّاشٌ وَلَا عَشَارٌ وَلَا قَاطِعٌ رَحِمٍ...

۲. عبارت "اخذ گمرک" دقیقاً از ترجمه آیت الله کمره ای مترجم کتاب شریف اصول کافی نقل شده است.

۳. ظاهراً این روایات دال بر این است که عشار علاوه بر گرفتن عشر زکات غلات را که یک دهم بوده نیز می‌گرفتند. (جمعی از مؤلفان، بی تا، ج ۴۵: ۱۸)

جمع می‌کردند و به حضرت می‌دادند و چون از حضرت علی(ع) در این رابطه سوال کردند ایشان فرمودند هر چه را عشار از جهت زکات تجارت یا قیمت اجناس از شخص می‌گیرند به عنوان زکات محسوب می‌شود، اما آن بخشی از عوارض را که در کوزه نمی‌ریختند از زکات حساب نشده و باید به دست من برسانید. (اصفهان، ۱۴۱۴، ج ۵، ۵۰۷)

علی ای حال روایاتی که ماموران مالیات و گمرک(عشار) را نکوهش کرده‌اند موجب شده که موضوع با ابهام همراه باشد تا جایی که از حضرت امام خمینی(ره) چنین استفتاء شده است؛ «سوال: کار پلیس و مأموران راهنمایی و رانندگی و گمرک و اداره‌ی مالیات بردرآمد در جمهوری اسلامی چه حکمی دارد؟ آیا آنچه در بعضی از روایات^۱ آمده است که دعای مأموری که کار افراد را به حکومت گزارش می‌دهد و دعای مأمور مالیات و گمرک مستجاب نمی‌شود، شامل آنان هم می‌گردد؟

پاسخ: کار آنان فی نفسه در صورتی که بر اساس مقررات قانونی باشد، اشکال ندارد و ظاهراً مراد از «عریف» و «عشار» در روایات، افرادی هستند که انجام این کارها را در حکومت‌های طاغوتی و ظالم بر عهده دارند.» (موسوی خمینی، ۱۴۲۴، ج ۲: ۹۵۹)

همچنین باید گفت شغل ماموران مالیات و گمرک لزوماً به امری ظالمانه و حرام اطلاق نخواهد شد چرا که حتی حکومت ظالمان نیز به کسانی برای مشاغل مذکور احتیاج دارد بنابراین یا باید بگوییم علت مذمت شدید روایات این است که این مشاغل اصولاً پرخطر و حساس هستند یا اینکه بگوییم این ماموران از وظایف خود تخطی کرده

۱. یا نَوْفٌ إِيَّاكَ أَنْ تَكُونَ عَشَّارًا أَوْ شَاعِرًا أَوْ شَرْطِيًّا أَوْ عَرِيفًا - أَوْ صَاحِبَ عَرُطِيَّةٍ وَ هِيَ الطَّنْبُورُ - أَوْ صَاحِبَ كَوْبَةٍ وَ هُوَ الطَّبْلُ - فَإِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ خَرَجَ ذَاتَ لَيْلَةٍ فَنَظَرَ إِلَى السَّمَاءِ - فَقَالَ أَمَا إِنَّهَا السَّاعَةُ الَّتِي لَا تَرُدُّ فِيهَا دَعْوَةَ إِلَّا دَعْوَةَ عَرِيفٍ أَوْ دَعْوَةَ شَاعِرٍ - أَوْ دَعْوَةَ عَاشِرٍ أَوْ شَرْطِيٍّ - أَوْ صَاحِبِ عَرُطِيَّةٍ أَوْ صَاحِبِ كَوْبَةٍ. «ای نوف! برحذر باش از اینکه عشار [یعنی تحصیلدار مالیات و عوارض]، شاعر، مأمور انتظامات (شرطی)، عریف و یا مسئول عرطبه یعنی طنبور و یا مسئول کوبه یعنی طبل و نقره، باشی. برای اینکه [من دیدم] که پیامبر (ص) شبی از خانه بیرون آمد و نگاهی باسماں انداخت، آنگاه فرمود:

«این وقت شب ساعتی است که هیچ دعائی رد نمی‌شود مگر دعای عریف یا شاعر [مداح ظلمه]، عشار، شرطی و دعای مسئول طنبور و طبل.» (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ۳۱۵)

و شخصا به مردم ظلم کرده و از آنها عوارض یا مالیات بیشتر می‌گرفتند که این برداشت اخیر صحیح به نظر می‌رسد. (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۸: ۱۶۷)

بنابراین باید گفت موضوع قاچاق و اخذ گمرک در گذشته هم وجود داشته و حکومت‌ها با آن سروکار داشتند و صرفا به این دلیل که حکومت‌های ظالم، عوارض کالا را اخذ می‌کردند گرفتن گمرک به کلی حرام اعلام شده و گرنه اگر این کار توسط حکومت اسلامی انجام شود هیچ مانعی نداشته و می‌توان با استنباط مفهوم مخالف از روایات پیش گفته چنین استنتاج کرد که سرپیچی از دادن گمرک و ارتکاب عمل قاچاق امری غیر مجاز و حرام می‌باشد. اما به هر ترتیب در گذشته نیز چه با انگیزه‌ی دینی (با هدف عدم پرداخت عوارض به حکومت ظالم) و چه با انگیزه‌ی فرار از پرداخت عوارض، افراد با پنهان کردن کالا و یا ورود و خروج پنهانی آن، از پرداخت عوارض و گمرک خودداری می‌کردند که اینکار عواقب و مجازات‌هایی از سوی مامورین حکومتی را در برداشته است، چه اینکه لزوم پرداخت گمرک با انجام قاچاق همیشه قرین یکدیگر و جدایی ناپذیر بوده‌اند.

همانطور که گفته شد به لحاظ تاریخی؛ در ایران باستان نیز اولین حکومت‌ها دارای حقوق گمرکی بوده‌اند و حتی شواهدی مبنی بر اخذ گمرک از واردات کالا در حکومت‌های قبل از مادها از قبیل حکومت سومر، بابل و فنیقی‌ها وجود دارد. (ویل دورانت، ۱۳۷۲: ج ۱: ۱۵۱) و همچنین قاچاق هم به عنوان همزاد گمرک در این دوران وجود داشته است. کالاهایی از قبیل ابریشم، عطر، کندر، فلفل و ... از مرسوم‌ترین کالاهای قاچاق در آن دوره نامبرده شده‌اند. از آنجا که در آن دوره عموماً حمل و نقل دریایی رواج داشته است، دزدان دریایی به قاچاق کالا از طریق دریاها اقدام کردند و معروف‌ترین قاچاقچیان و دزدان دریایی، فینیقی‌ها بودند که تجار از آنان به شدت در هراس بودند. (محققی، ۱۳۸۹: ۲۵)

حکومت‌های هخامنشیان و اشکانیان و سایر حکومت‌های بعدی نیز در ایران دارای تشکیلاتی برای اخذ گمرک بوده‌اند، به عنوان مثال ساسانیان برای اخذ گمرک دیوان

دولتی تاسیس کردند و البته صرفاً از واردات، گمرک می‌گرفتند و صادرات را از دادن گمرک معاف کرده بودند. (یکتایی، ۱۳۵۴: ۱۹-۲۲) برخی گفته‌اند اعراب و حکومت خلفا نیز شیوه اخذ گمرک (عشر) را از حکومت ساسانیان در ایران تقلید کردند. (هادی، ۱۳۴۹، ۱۱) در دوران صفویه حقوق گمرکی نسبت به دوره‌های گذشته کاهش یافت و ۵ درصد قیمت کالا به عنوان گمرک اخذ می‌شد هر چند اگر کالایی به صورت قاچاق وارد می‌شد حقوق گمرکی به ۱۰ درصد افزایش می‌یافت. (مینورسکی، ۱۳۶۸: ۲۲۴)

در دوران قاجار گمرکات را به یکی از افراد با نفوذ مملکتی اجازه می‌دادند و این انحصار باعث درآمد بالای آنها و همچنین گسترش قاچاق و تقلب در ورود و خروج کالا می‌شد چرا که اجازه داران برای کسب درآمد بیشتر تلاش می‌کردند تا اجناس از گمرک‌خانه‌ی آنها وارد و یا صادر شود و برای جذب تجار، کالاها را با قیمتی کمتر از قیمت واقعی ترخیص می‌کردند. (سیف، ۱۳۷۳: ۳۲۱) که این نمونه بارزی از تخلف و از مصادیق قاچاق در اصلاح امروزی محسوب می‌شود. در دوران حکومت قاجاریه و قبل از مشروطیت عایدات گمرک در ایران بسیار کم شد و به همین جهت با سیاست‌های مالی شاهان قاجار و نفوذ بیش از حد خارجی‌ان در ایران، بلژیکی‌ها به مدت ۷ سال بر گمرکات ایران سلطه داشتند. (سعیدی نیا، ۱۳۸۸: ۱۲۰)

بعد از دستیابی رضاشاه پهلوی به حکومت ایران، مهمترین اقدام او موضوع استقلال گمرکی در سال ۱۳۰۷ بود، هر چند همچنان استثنائاتی وجود داشت. قاچاق در دوران پهلوی و خصوصاً قاچاق مواد مخدر در دوره پهلوی دوم و از طریق دربار از بارزترین وقایع مربوط است. (فتحی، ۱۳۸۹: ۴)

۳. فقه و کیفیت مقابله با قاچاق

بعد از آشنایی با مفهوم قاچاق و پیشینه آن، حال باید دید مواجهه فقه با این موضوع چگونه است؟ همانطور که گذشت علی‌رغم اینکه برخی موضوع قاچاق را امری مستحده می‌دانند، این موضوع از قدیم الایام مرسوم بوده و به جهت اینکه در عموم

موارد، گمرک توسط حاکمان جائز اخذ شده است و مجازات حدی برای آن در شرع موجود نبوده، گو اینکه امری نو ظهور است، حال آنکه در ادوار گذشته نیز هر کس از دادن گمرک و مالیات خودداری کرده توسط حاکم شرع (هر چند در حکومت غیر مشروع) تعزیر و مجازات در انتظار وی بوده است.

هم اکنون به فتوای غالب علما، دادن گمرک الزامی و فرار از آن و به عبارت دیگر قاچاق کالا حرام اعلام شده است.

البته نظر شاذی هم وجود دارد که بر اساس آن گرفتن گمرک حرام است. صاحب این نظر احادیث منقول دال بر نهی از اخذ گمرک را صراحتاً همسان با احادیث نهی شرب خمر می‌دانند. ایشان با استناد به قاعده لاضرر می‌گویند این قاعده برای دفع ضرر از تجارت مسلمین کافی است و نیازی به اخذ گمرک نخواهد بود و البته توجیه اخذ گمرک با توجه به ضروریات اقتصادی امروز را نپذیرفته‌اند. (حسینی شیرازی، ۱۴۱۹: ۲۵۵-۲۵۶) اشکالی که به این نظر می‌توان گرفت این است که با نپذیرفتن اخذ گمرک، جرم قاچاق معنا پیدا نمی‌کند و در این صورت مشخص نیست که قاعده لاضرر چگونه از تجارت و تولید داخلی حمایت خواهد کرد. ممکن است در پاسخ گفته شود برای حمایت از تولید داخل ورود برخی کالاها را به صورت کلی تحریم می‌کنیم در صورتی که این کار منطقی نیست و به جهات مختلف از جمله کیفیت کالا و یا عدم تولید داخلی، حکومت مجبور به واردات نوع خاصی از کالا است لکن بحث این جاست که گرفتن گمرک موجب نظام دادن به امور است و با توجه به تحمیل هزینه به وارد

۱. آیت الله بهجت: «س. حکم خرید و فروش کالای ممنوعه (به لحاظ قانونی) - مانند اجناس قاچاق - چیست؟ ج. چون موجب قرار گرفتن در معرض خطر و ضرر است، تکلیفاً جایز نیست، اگر چه وضعاً صحیح است.» (بهجت فومنی، ۱۴۲۸، ج ۳: ۲۱۹)

آیت الله مکارم: «اقدام به هرگونه قاچاق از نظر شرعی اشکال دارد، و تعمیم آن دلیل بر جواز نیست. بنابراین از جوهی که از این طریق بدست می‌آید باید پرهیز کرد.» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۳: ۱۹۵)

آیت الله خامنه ای: «س. آیا قاچاق کالاهای مصرفی مانند لباس و پارچه و برنج و غیره از جمهوری اسلامی برای فروش به ساکنان کشورهای خلیج فارس جایز است؟ ج. مخالفت با قوانین نظام جمهوری اسلامی، جایز نیست.» (حسینی خامنه ای، ۱۳۹۰، س ۱۹۸۳)

کنندگان از واردات بی رویه جلوگیری شده و موجبات توان رقابت تولیدات داخلی را به لحاظ قیمت با کالای وارداتی فراهم می‌کند.

۱.۳. مبانی فقهی تحریم قاچاق

مبانی و مستندات می‌توان برای تحریم قاچاق در فقه بیان کرد به شرح زیر است:

۱.۱.۳. قاعده فقهی نفی سبیل

قاعده نفی سبیل بدین معناست که خداوند هیچ حکمی در راستای برتری کفار بر مسلمانان جعل نکرده است و در عمل نیز تحقق چنین برتری جایز نیست و مطابق با مفاد این قاعده فقهی، ضروری است از آن جلوگیری به عمل آید. بنابراین هر گونه معامله، قرارداد و ارتباطی میان مسلمان و کافر نباید منجر به برتری کافر شود و در غیر این صورت محکوم به بطلان و عدم جواز است. لازم به ذکر است این مسئله در شرایط عادی است و در مواردی که مصلحت بالاتری مد نظر حکومت اسلامی باشد امکان تغییر موقتی حکم وجود دارد.

قاعده فقهی^۱ نفی سبیل مستندات زیادی از قرآن، سنت، اجماع^۲ و عقل دارد. از آیات قرآن کریم^۳ مشهورین مستند این قاعده، آیه ۹ سوره مبارکه نساء است: «و لن یجعل للکافرین علی المومنین سبیلاً»، همچنین از روایاتی که می‌توان به آن تمسک جست حدیث شریف «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴: ۳۳۴) است.

۱. قاعده فقهی اینگونه تعریف شده است: «قواعد فقهیه، احکام کلی‌ای هستند که تحت هر یک از آنها، احکام جزئی‌ای که منطبق با آنها است مندرج می‌شود. خواه این احکام جزئی، مربوط به ابواب مختلف فقه باشد یا مربوط به یک باب از ابواب فقه» (طباطبایی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۸۳)

۲. در کتب فقهی به توضیح کیفیت اجماع راجع به قاعده نفی سبیل پرداخته شده است برای مثال به این کتاب رجوع فرمایید:

مازندرانی، علی اکبر سیفی، مبانی الفقه الفعال فی القواعد الفقهیه الأساسیه، جلد ۱، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۲۵ ه.ق، ص ۲۳۹

۳. آیات ۹۱ و ۹۳ سوره توبه و همچنین آیات ۴۱ و ۴۲ سوره شوری نیز با مضامینی مشابه مستند برای قاعده نفی سبیل هستند.

به طور کلی باید گفت قاعده نفی سبیل، هر موضوعی که مقتضی تسلیط و استیلاهی کفار بر مسلمانان باشد را نفی کرده و تقنین چنین احکامی را جایز نمی‌داند بنابراین این قاعده بر کلیه احکام اولیه حاکم است و عنداللزوم می‌تواند آنها را نقض کند. (عمید زنجانی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۳۵)

راجع به تطبیق قاعده نفی سبیل با موضوع قاچاق باید گفت اگر چه حکم اولیه تجارت در اسلام اباحه است و تجارت حلال در اسلام آزاد است لکن اگر ورود و خروج کالاایی در حدی باشد که موجبات تسلط کفار و اجنبی را بر حکومت اسلامی فراهم سازد می‌توان به استناد قاعده نفی سبیل واردات و صادرات این کالاها را ممنوع اعلام کرد و یا به جهت کنترل میزان و قیمت کالا، اخذ گمرک در مورد برخی موارد را الزامی کرد.

لازم به ذکر است قاعده نفی سبیل در مورد کالایی که اساسا تجارت آن حرام است مانند خرید و فروش مشروبات الکلی به صورت مستقیم ورودی ندارد چه اینکه تجارت این کالاها به صراحت تحریم شده و جایز نمی‌باشد و نیازی به استناد به قاعده نفی سبیل نخواهد بود.

۳. ۱. ۲. اکل مال به باطل

کیفیت بدست آوردن اموال در شریعت اسلام مسئله‌ای مهم است و این اهمیت بر کسی پوشیده نیست. از همین رو قاعده اکل مال به باطل به نوعی هر گونه کسب مال به شیوه‌های متقلبانه، ظالمانه و یا هر معامله‌ای که متضمن تضییع حقوق دیگران، دریافت و دادن رشوه و یا کسب مال بدون تلاش و از راه طرق واهی باشد را مردود اعلام می‌کند.

مهمترین مستند قاعده فقهی اکل مال به باطل آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» است. توضیح قاعده اینکه؛ راجع به واژه "اکل" غالبا مطلق انتفاع و تصرف در مال برداشت شده و منحصر در خوردن نخواهد بود. (سلیمانی، عبداللهی نژاد، ۱۳۸۹: ۷۱) همچنین مال اینگونه معنا شده است: «ما هو للإنسان»، یعنی

آن چیزی که انسان مالک او است. آیت الله خوئی در ذکر معنای مال فرموده‌اند آنچه را که انسان نگهداری می‌کند، ذخیره می‌کند و می‌بیند و به نوعی از منافع آن استفاده می‌کند، مالیت دارد به عبارت دیگر مالیت هر مالی به مقدار منافع آن مال است، و البته در شرع اگر چیزی منفعت محله نداشته باشد، مالیت هم نخواهد داشت، ولذا نسبت بین مال و ملک، عموم و خصوص من وجه است، بعضی چیزها ملک هستند اما مال نیستند، مثلاً یک دانه گندم ملک انسان است، اما مال نیست و بعضی چیزها مال هستند اما ملک نیستند.^۱ (خوئی، ۱۳۷۸: ۳۲)

اما نکته اصلی و مورد نظر ما در قاعده اکل مال به باطل در حدود و ثغور بطلان است. آیا بطلان صرفاً در مورد آن مصادیقی است که شرع اعلام کرده مانند؛ رباخواری، غصب، سرقت و ... یا مصادیقی که عرفاً باطل محسوب می‌شوند را شامل می‌شود؟ برخی از فقها از جمله آیت الله خوئی باطل در آیه شریفه را صرفاً موارد بطلان شرعی می‌دانند اما فقهای مانند شیخ انصاری و امام^۳ (ره) مصادیقی که به صورت عرفی و عقلایی باطل محسوب می‌شوند را از مصادیق آیه شریفه می‌دانند. (اسماعیلی، ۱۳۷۳: ۱۳۱) بنابراین با ملاک قرار دادن نظر دوم، هر آنچه از مسائل مستحدثه مانند نقض حق کپی رایت که به نوعی تصرف باطل محسوب می‌شود مشمول این قاعده شده و جایز نخواهد بود. با این توصیفات قاچاق نمونه بارز اکل مال به باطل است ولذا امری غیر مجاز خواهد بود مگر اینکه با توجه به مقتضیات زمان و مصالح موجود، قاچاق آزاد و مجاز اعلام شود.

۳. ۱. ۳. قاعده لاضرر

مفهوم قاعده لاضرر به صورت کلی این است که ضرر زدن به خود و یا به دیگری

۱. از طرفی چنانچه مالیت را حقیقت شرعیه بدانیم ملاک و شاخص مال و مالیت و تعیین مصادیق آن با شرع می‌باشد اما اگر قایل به حقیقت عرفیه باشیم ملاک و شاخص آن عرف است یعنی تعریف و تشخیص مصادیق آن را باید از عرف بگیریم که نظر اکثریت فقها همین است. (امامی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۳۹)

۲. مقصود عرف عقلا است که فقها با وجود سایر شرایط به آن استناد می‌کنند.

۳. «هذا کله بناءً علی ان المراد بالبطل هو المعنی العقلایی والعرفی کما هو ظاهر کل عنوان أخذ فی موضوع الأحکام...» (موسوی خمینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۶۴)

در اسلام نفی شده و همچنین حکم ضرری در شریعت جعل نشده است. قاعده لاضرر علاوه بر اینکه به حکم عقل پذیرفته می‌شود، آیات^۱ و روایات^۲ فراوانی برای تایید آن وجود دارد. اما اینکه چگونه از این قاعده برای تحریم قاچاق بهره گرفته می‌شود بستگی به برداشت ما از آن دارد. مهمترین نظرات راجع به دلالت قاعده لاضرر عبارت است از؛ ۱- نظریه شیخ انصاری(ره) که معتقد بودند عبارت لاضرر را باید اینگونه خواند که "لا حکم ضرری فی الاسلام" بدین معنا که در اسلام حکم ضرری وجود ندارد. ۲- نظر دیگر مربوط به مرحوم محقق خراسانی است که مبنی بر آن قاعده لاضرر موجب نفی موضوع است بنابراین به عنوان مثال اگر بیعی موجب ضرر شود یا گرفتن وضو با ضرر همراه باشد، آن بیع و وضوی ضرری جایز نخواهند بود^۳- نظر مرحوم نراقی که می‌گویند مقصود از ضرر، ضرر غیر متدارک است یعنی شارع مقدس با این حکم، افراد را ملزم به جبران خسارت کرده است و در نظر شارع هیچ ضرری به کسی وارد نمی‌شود که نتوان آنرا جبران کرد. ۴- نظریه آخر به برداشت امام خمینی(ره) از قاعده لاضرر بر می‌گردد، ایشان این قاعده را یک حکم حکومتی می‌دانند. ولی فقیه می‌تواند در مواقع لزوم با استناد به رفع ضرر طی حکم حکومتی حکم به تحریم موضوعی بدهد. به عقیده حضرت امام(ره) قاعده لاضرر فقط با قاعده تسلیط تعارض دارد و موجب تقدم قاعده لاضرر بر آن می‌شود.(محقق داماد، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۴۲-۱۵۴)

اما اگر بخواهیم موضوع قاچاق را با هر یک از نظرات مذکور تطبیق دهیم باید گفت که با توجه به نظر شیخ انصاری از آنجا که قاچاق موجب مضرات فراوانی برای اقتصاد حکومت می‌شود بنابراین جایز نخواهد بود همچنین با عنایت به نظر محقق خراسانی باید گفت از آنجا که همه مصادیق قاچاق و همیشه موجب ضرر هستند، بنابراین حرام و غیر

۱ . سوره مبارکه بقره آیات ۲۳۱، ۲۳۳ و ۲۸۲ و همچنین سوره مبارکه نساء آیه ۱۲ از مستندات قرآنی این قاعده هستند.

۲ . مستندات روایی قاعده لاضرر فراوان است و مهمترین آن داستان سمره بن جندب است که با سلب حق عبور یکی از مومنین، پیامبر(ص) در مورد او فرمود: «انک رجل مضار و لاضرر و لاضرار علی مومن» که در بعضی نقل‌ها «لاضرار فی الاسلام» نیز آمده است.(محقق داماد، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۳۳-۱۳۵)

مجاز است. با تطبیق نظر مرحوم نراقی و مرحوم امام(ره) راجع به موضوع قاچاق، نمی‌توان حکمی کلی صادر کرد، با توجه به نظر مرحوم نراقی از آنجا که قاچاق موجب ضرر است باید هر گونه ضرری که از ناحیه انجام قاچاق به هر شخص یا حکومت وارد می‌شود جبران شود و قاعده لاضرر در این دیدگاه ضرورت جبران خسارات را مورد تاکید قرار می‌دهد. با تطبیق نظریه امام خمینی (ره) در این زمینه نیز باید گفت این موضوع بستگی به حکم حاکم اسلامی دارد و او می‌تواند با توجه به مضرات قاچاق، آنرا حرام اعلام کند و گرنه خارج از این شیوه قاعده لاضرر به خودی خودی نمی‌تواند با موضوع قاچاق مقابله کند.

۴. ۱. ۳. حکم حکومتی

احکام شرعیه در یک تقسیم بندی به احکام اولیه، ثانویه و حکومتی تقسیم می‌شوند. برای توضیح حکم حکومتی و تمایز آن با سایر احکام ناگزیر از تبیین احکام اولیه و ثانویه به شرح زیر هستیم.

احکام اولی، احکامی هستند که برای خود عمل یا ذات چیزی و بدون ملاحظه حالتی که بر آن عمل یا ذات عارض می‌شود جعل شده باشد مثل حرمت شرب خمر. اما حکم ثانوی حکمی است که بر عمل یا ذات چیزی با توجه به حالتی که بر آن عمل یا ذات عارض شده جعل می‌شود برای مثال شخصی که در اثر شدت گرسنگی در حال تلف شدن باشد می‌تواند از گوشت مردار استفاده نماید. (مشکینی، ۱۳۷۶: ۱۲۴) از عناوین و اوصافی همچون ضرر، اکراه، اضطرار، عسر و حرج، تقیه، مقدمه واجب یا حرام، حفظ نظام، قاعده اهم و مهم، نذر، عهد، قسم و دستور پدر و... به عناوین ثانویه تعبیر می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۵۴۱)

احکام اولیه از جمله ثابتات و منصوصات مقررات شرع هستند و احکام ثانویه نیز منصوص اما متغیر و موقتی هستند اما تطبیق عنوان ثانویه بر موضوع را شارع احصا نکرده است و برعهده مرجع تقلید و حاکم شرع گذاشته و تعیین مصداق نیز بر عهده مکلف است که اینها مربوط به بعد فردی است و در بعد اجتماعی حاکم جامعه، مسئول

تعیین مصداق مصادیق عناوین ثانویه است. (قطبی و اسماعیلی، ۱۳۹۲: ۱۴)

در مورد احکام حکومتی علامه طباطبایی این قسم از احکام را در مقابل احکام و قوانین ثابت و غیر قابل تغییر معنا می‌کنند، و می‌فرمایند: «سلسله تصمیماتی که ولی امر به مقتضای مصلحت و توجه به زمان و مکان می‌گیرند» (طباطبایی، بی تا، ۱۲۵) احکام حکومتی متغیر و موقتی هستند و هرگاه مصلحت و شرایط زمانی و مکانی از بین برود قابل تغییر و تعطیل می‌باشند. علامه نائینی نیز اینگونه بیان کرده‌اند: «بدان که، مجموعه‌ی وظایف راجع به نظم و حفظ مملکت و سیاست امور امت، خواه دستورات اولیه متکلفه اصل دستور العمل‌های راجع به وظائف نوعیه باشد، و یا ثانویه متضمنه مجازات بر مخالفت دستورات اولیه، علی کلّ تقدیر، خارج از دو قسم نخواهد بود؛ چه، بالضرورة یا منصوصاتی است که وظیفه عملیه آن بالخصوص معین و حکمش در شریعت مطهره مضبوط است، و یا غیر منصوصی است که وظیفه عملیه آن به واسطه عدم اندراج در تحت ضابط خاصّ و میزان مخصوص غیر معین و به نظر و ترجیح ولیّ نوعی موکول است.» (نائینی، ۱۳۷۸: ۱۳۴)

با این توضیح، باید گفت حاکم جامعه اسلامی می‌تواند با در نظر مصلحت جامعه، احکام حکومتی صادر کند و به عنوان مثال موضوعی مانند قاچاق را به علت مفاسد فراوانی که برای حکومت اسلامی دارد، حرام اعلام کند.

۳. ۱. ۵. سایر مستندات

قاعده لاضرر و حکم حکومتی در واقع اشتراکاتی با هم دارند و مناط آنها، جلوگیری از مفسده و مضرات قاچاق است که می‌توان علاوه بر آنها به قواعد مشابهی با همین استدلال اشاره کرد؛ قواعدی مانند رعایت مصلحت عمومی^۱ و

۱. حضرات آقایان توجه داشته باشند که مصلحت نظام از امور مهمه ای است که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می‌گردد. امروز جهان اسلام، نظام جمهوری اسلامی ایران را تابلوی تمام نمای حل معضلات خویش می‌دانند. مصلحت نظام و مردم از امور مهمه ای است که مقاومت در مقابل آن ممکن است اسلام پابرهنگان زمین را در زمان های دور و نزدیک زیر سؤال برد و اسلام آمریکایی مستکبرین و متکبرین را با پشتوانه میلیاردها دلار توسط ایادی در داخل و خارج آنان پیروز گرداند. از خداوند متعال می‌خواهم تا در این مرحله حساس آقایان را کمک فرماید...» (موسوی خمینی، ۱۳۸۱، ج ۲۰: ۴۶۴)

حفظ نظام^۱ نیز بر مبنای جلوگیری از مضرات قاچاق استوار خواهد بود. به استناد قاعده رعایت مصالح عامه (مصلحت عمومی) قاچاق در مغایرت با مصلحت عمومی نظام اقتصادی کشور است چه اینکه امروز مصلحت اقتضا می‌کند تولید داخلی تقویت شده و با مصادقی که موجب ضرر و افول تولید داخلی و خودکفایی ملی می‌شود، مقابله کرد.

«مصلحت در مقابل مفسده است و به معنای سازگاری و آن چه که صلاح و نفع تشخیص شود، صلاح اندیشی و رعایت اقتضای حال.» (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۱: کلمه مصلحت)

مصادیق مصالح نیز اینچنین ذکر شده است: «مصلحت حفظ دین، حفظ جان، حفظ عقل، حفظ نسل و مصلحت حفظ مال و چنانکه مشهور است این‌ها مصالحی هستند که در سرلوحه تمام ادیان آسمانی قرار دارند.» (ارسطا، ۱۳۸۹: ۲۸۸) و از لحاظ متعلق، هر چه این پنج مصلحت کلی را از بین ببرد مفسده تلقی می‌شود. لازم به ذکر است معنی «عموم» در «مصالح عمومی» عام استغراقی^۲ نیست، بلکه مصلحت عموم مردم را به صورت کلی در نظر دارد و نه مصلحت تک تک افراد جامعه، و اطلاق عام مجموعی^۳ صحیح است. همچنین «تقسیم بندی مصلحت به فردی، گروهی و عمومی ناشی از تفاوت دو منابع تشخیص مصلحت است. بی شک مصلحت‌هایی که دارای کاربرد

۱. «آنچه در حفظ نظام جمهوری اسلامی دخالت دارد که فعل یا ترک آن موجب اختلال نظام می‌شود و آنچه ضرورت دارد که ترک آن یا فعل آن مستلزم فساد است و آنچه فعل یا ترک آن مستلزم خراج است پس از تشخیص موضوع به وسیله اکثریت وکلای مجلس شورای اسلامی، با تصریح به موقت بودن آن ما دام که موضوع محقق است، و پس از رفع موضوع خود به خود لغو می‌شود، مجازند در تصویب و اجرای آن؛ و باید تصریح شود که هر یک از متصدیان اجرا از حدود مقرر تجاوز نمود مجرم شناخته می‌شود و تعقیب قانونی و تعزیر شرعی می‌شود.» (موسوی خمینی، ۱۳۸۱، ج ۱۵: ۲۹۸)

۲. در صورتی که حکم عام به گونه‌ای باشد که حکم بر تک تک افراد موضوع به طور جداگانه بار شود، به آن عام استغراقی گویند.

۳. عام مجموعی، لفظ عامی است که مجموع افراد آن به یک باره موضوع حکم قرار می‌گیرند؛ یعنی حکم بر همه افراد به صورت مجموع و باهم بار می‌شود.

قانونگذاری و اجرایی در سطح یک نظام سیاسی هستند نمی‌توانند جنبه فردی یا گروهی داشته باشند.» (عمید زنجانی، ۱۳۸۴، ج ۹: ۱۰۵)

همچنین بر اساس مفاد قاعده حفظ نظام، ضروری است نظم حکومت اسلامی در همه ابعاد حفظ شود که نمونه بارز آن حفظ نظم اقتصادی حکومت اسلامی است و از آنجا که قاچاق موجبات اختلال در نظام اقتصادی را فراهم می‌کند امری غیر مجاز است. هر چند قاعده حفظ نظام غالباً راجع به اصل نظام مطرح می‌شود و با عبارات «حدود و ثغور یا کیان کشور و سرزمین‌های اسلامی»، «حکومت یا نظام سیاسی»، «بیضه یا مرکزیت جامعه مسلمان» و «نظام اسلام» از آن تعبیر می‌شود لکن این قاعده آثار مختلفی دارد، کما اینکه حاکم اسلامی می‌تواند به استناد آن احکامی از جمله جواز دخالت دولت در امور خصوصی مردم، محدودیت حقوق و آزادی‌های اساسی، وجوب شرکت در انتخابات و ... را صادر نماید. (ملک افصلی اردکانی، ۱۳۸۹: ۱۰۹ و ۱۱۱)

۲.۳. مجازات جرم قاچاق

با توجه به مطالب پیش گفته، ارتکاب قاچاق عملی حرام است لکن در فقه هیچ یک از حدود شرعی و عناوین جرائم حدی بر آن تطبیق نمی‌کند، بنابراین باید مجازات انجام قاچاق را تعزیر دانست.

«تعزیر در اصل به معنای جلوگیری و بازداشتن است؛ لذا تأدیبی که به صورت کمتر از حد باشد، تعزیر نامیده می‌شود؛ چرا که باعث بازداشتن مجرم از تکرار جرم می‌شود.» (ابن اثیر، بی تا، ج ۳: ۲۲۸) هر چند تعزیر در لغت به معنای «تعظیم و احترام» نیز آمده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۴۵)

راجع به معنای فقهی تعزیر نیز اینچنین گفته شده است: «مجازات یا نکوهشی است که از طرف شرع تعیین نشده است» (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۴۲۳)

احادیث و روایات فراوانی در زمینه کیفیت تعزیر مجرمین و سیره عملی معصومین

علیهم السلام در این زمینه رسیده است.^۱ سه قاعده فقهی مشهور در باب تعزیرات وجود دارد که مستنبط از روایات می‌باشند: اول؛ التعزیر بما یراه الحاکم (الامام) دوم؛ التعزیر لکل عمل محرّم و سوم؛ التعزیر بما دون الحد. (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۴: ۱۹۶)

آنچه که از قواعد مذکور استنتاج می‌شود اینکه اولاً اجرای تعزیر منحصر به شیوه‌ای خاص نیست و شیوه آن اعم از تازیانه و سایر مواردی است که حاکم تشخیص دهد. ثانیاً اینکه هر فعل حرامی که حد شرعی برای آن لحاظ نشده است در صورت صلاحدید حاکم شرع قابلیت مجازات دارد و ثالثاً تعزیر نباید مساوی با حدود باشد به عنوان مثال اگر تازیانه حدی ۱۰۰ ضربه شلاق است برای تازیانه تعزیری حداکثر ۹۹ ضربه می‌توان در نظر گرفت و بیشتر از آن جایز نخواهد بود. مشخصاً می‌توان به تعزیراتی که قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب سال ۱۳۹۲ برای جرم قاچاق در نظر گرفته از قبیل؛ جریمه نقدی از یک تا چهار برابر ارزش کالا با توجه به نوع کالای قاچاق، انفصال از خدمات دولتی برای مرتکبینی که در استخدام دولت هستند، ضبط وسایل نقلیه مورد استفاده در حمل قاچاق و ... اشاره کرد.

شایان ذکر است در حالاتی ممکن است جرم قاچاق به دلیل گستردگی و ایجاد اختلال در نظام اقتصادی حکومت، یکی از مصادیق جرم افساد فی الارض شود که در این صورت مجازات حدی اعمال می‌شود چرا که افساد فی الارض در شرع مقدس به صراحت جرم انگاری شده است. ماده (۳۰) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز دقیقاً به این نکته اشاره کرده است: در صورتی که ارتکاب قاچاق کالا و ارز به صورت انفرادی و یا سازمان یافته به قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران یا با علم به مؤثر بودن آن

۱. برای جلوگیری از اطاله کلام به ذکر مصادیق نمی‌پردازیم لکن روایات زیادی در این زمینه موجود است به عنوان نمونه به آدرس های زیر مراجعه کنید:

«عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ۱۸، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ ه. ق، صفحه ۵۰۴» و «شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، جلد ۴، دفتر انتشارات اسلامی وابسته

به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۳ ه. ق، صفحه ۶۵»

صورت گیرد و منجر به اخلال گستره در نظام اقتصادی کشور شود، موضوع مشمول قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۶۹/۹/۱۹ می‌گردد و مرتکب طبق مقررات قانون مزبور مجازات می‌شود.»

ماده ۲ قانون «مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور» نیز چنین مقرر داشته است: «هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده ۱ (یکی از موارد اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور از طریق "قاچاق" عمده ارز است) چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه در حد فساد فی‌الارض باشد مرتکب به اعدام و در غیراین صورت به حبس از پنج سال تا بیست سال محکوم می‌شود و در هر دو صورت، دادگاه به عنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست آمده باشد حکم خواهد داد.»

نتیجه‌گیری

اگرچه جرم قاچاق به عنوان یک موضوع جدید در فقه مطرح شده است اما هم‌انطور که مستندات تاریخی ذکر شد، در قدیم الایام و صدر اسلام نیز هزینه‌ای تحت عنوان "عشر" به عنوان عوارض ورود و خروج کالا توسط افراد گمرکچی از تجار اخذ می‌شده است لکن به دلیل اینکه این ماموران گمرک غالباً منصوبین حکوت‌های جائز و ظالم بودند و اخذ گمرک موجبات کمک مالی به این حکومت‌ها را فراهم می‌کرده است، گرفتن گمرک در روایات امری نکوهیده و مذموم شمرده شده و گرنه فی‌نفسه گرفتن گمرک مطابق با قوانین و مقررات حاکم مشروع، هیچ منع شرعی نداشته و بالعکس با استناد به مسلماتی از فقه از جمله؛ قاعده نفی سبیل، اکل مال به باطل، قاعده لاضرر، حکم حکومتی، قاعده حفظ نظام و قاعده حفظ مصلحت عامه می‌توان انجام قاچاق را به دلیل مضرات فراوانی که برای اقتصاد حکومت اسلامی دارد جرم انگاری کرده و مرتکبین به آن را مجازات کرد. کما اینکه این امر هم‌اکنون در قوانین جاری

جمهوری اسلامی ایران و البته سایر کشورها به درستی محقق شده است و قاچاقچیان مجرم شناخته می‌شوند. در مورد مجازات جرم قاچاق نیز باید گفت اگر جرم قاچاق در سطحی وسیع صورت گرفته و با هدف اخلال در نظام اقتصادی کشور باشد به عنوان یکی از مصادیق افساد فی الارض مطرح شده و مرتکبین محکوم به اعدام خواهند شد و در غیر این صورت، از آنجا که برای فعل حرام قاچاق، مجازات حدی در شرع مقدس ذکر نشده است، شامل مجازات‌های تعزیری می‌شود که به صلاحدید حکومت اسلامی کیفیت آن تعیین خواهد شد.

منابع

الف) کتب

۱. ابن اثیر، جزری، الکامل، ج ۲۳، مترجمان عباس خلیلی؛ ابوالقاسم حالت، انتشارات علمی، تهران، بی تا
۲. ابن اثیر، جزری، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، جلد ۳، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم - ایران، اول، بی تا
۳. احمدی، عبدالله، جرم قاچاق، انتشارات میزان، تهران، ۱۳۸۲ ه.ش
۴. ارسطو، محمد جواد، نگاهی به مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۹ ه.ش
۵. اصفهانی (مجلسی اول)، محمد تقی، لوامع صاحبقرانی، جلد ۵، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۴ ه.ق
۶. بهجت فومنی، محمد تقی، استفتاءات (بهجت)، جلد ۳، دفتر حضرت آیه الله بهجت، قم - ایران، اول، ۱۴۲۸ ه.ق
۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد ۴، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۷۸ ه.ش
۸. جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، جلد ۷ و ۴۵، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، بی تا
۹. حسینی خامنه ای، سید علی، اجوبه الاستفتاءات، انتشارات فقه روز (وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی)، تهران، ۱۳۹۰
۱۰. حسینی شیرازی، سید محمد، الفقه و القانون، نشر مرکز الرسول الأعظم (ص) للتحقیق و النشر، بیروت، دوم، ۱۴۱۹ ه.ق
۱۱. خویی، ابوالقاسم، الفقه، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۳۷۸
۱۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، جلد ۲۲، تهران، نشر سیروس، ۱۳۳۹ ه.ش
۱۳. واغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، در یک جلد، دار العلم - الدار الشامیة، لبنان - سوریه، اول، ۱۴۱۲ ه.ق
۱۴. واوندی، قطب الدین، سعید بن هبة الله، الخرائج و الجرائح، جلد ۲، مؤسسه امام مهدی

- عجل الله تعالى فرجه الشريف - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ه.ق
۱۵. سیف، احمد، اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، نشر چشمه، تهران، ۱۳۷۳
۱۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، جلد ۲، مؤسسه المعارف الإسلامیه، قم - ایران، اول، ۱۴۱۳ ه.ق
۱۷. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، جلد ۴، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۳ ه.ق
۱۸. طباطبایی، محمد حسین، فراهایی از اسلام، تهران، چاپ جهان آرا، بی تا
۱۹. طباطبایی، سیدعلی بن محمدعلی، ریاض المسائل، جلد ۱، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی، ۱۴۱۲ ه.ق
۲۰. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، جلد ۳، کتابفروشی مرتضوی، تهران - ایران، سوم، ۱۴۱۶ ه.ق
۲۱. عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، جلد ۱۷ و ۱۸، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ ه.ق
۲۲. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، جلد ۹، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴ ه.ش
۲۳. عمید زنجانی، عباسعلی، قواعد فقه (بخش حقوق عمومی)، جلد ۳، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۹ ه.ش
۲۴. عمید، حسن، فرهنگ عمید، جلد ۳، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۵ ه.ش
۲۵. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی، مترجم: آیت الله کمره‌ای، ج ۵، انتشارات اسوه، قم، ۱۳۷۵ ه.ش
۲۶. لسان الملک سپهر، محمد تقی، ناسخ التواریخ، جلد ۴، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۸۰ ه.ش
۲۷. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، بخش مدنی، جلد ۱، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۱
۲۸. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، جلد ۴، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران - ایران، دوازدهم، ۱۴۰۶ ه.ق
۲۹. مشکینی، علی، اصطلاحات اصول، قم، نشر الهادی، چاپ چهارم، ۱۳۷۶ ه.ش

۳۰. معاونت طرح و برنامه گمرک، بررسی پدیده قاچاق کالا و راهکارهایی برای مبارزه با آن، نشر گمک جمهوری اسلامی ایران، تهران ۱۳۸۱ ه. ش
۳۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۲، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۴ ه. ش
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر، استفتاءات جدید (مکارم)، جلد ۳، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه. ق
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، انوار الفقاهه، جلد ۱، قم، مدرسه الامام امیرالمومنین، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق
۳۴. منتظری نجف آبادی، حسین علی، مترجمان؛ محمود صلواتی، ابوالفضل شکوری، مبانی فقهی حکومت اسلامی، جلد ۸، مؤسسه کیهان، قم، ۱۴۰۹ ه. ق
۳۵. موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، جلد ۱۵، ۲۰، ۱۳۸۱ ه. ش
۳۶. موسوی خمینی، سید روح الله، کتاب البیع، ج ۱، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۳ ه. ش
۳۷. موسوی خمینی، سید روح الله، توضیح المسائل (محشی)، جلد ۲، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، هشتم، ۱۴۲۴ ه. ق
۳۸. مینورسکی، سازمان اداری حکومت صفوی یا تحقیقات و حواشی و تعلیقات مینورسکی بر تذکره الملوک، ترجمه مسعودرجب نیا، نشر امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۸
۳۹. تائینی، محمدحسین، تنبیه الامه و تنزیه الملّه، با توضیحات سیدمحمود طالقانی، تهران، شرکت های انتشار، چاپ نهم، ۱۳۷۸ ه. ش
۴۰. توری، حسین، نجم الثاقب فی احوال الإمام الغائب، جلد ۲، انتشارات مسجد جمکران، قم، ۱۳۸۴ ه. ق
۴۱. ویل دورانت، جیمز، تاریخ تمدن، مشرق زمین گاهواره تمدن، جلد ۱، مترجم، احمد آرام، احمد بطحائی و دیگران، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۷۸ ه. ش
۴۲. هادی، عبدالله، گمرک، نشر مدرسه عالی بازرگانی، تهران، ۱۳۴۹
۴۳. یکتایی، مجید، تاریخ گمرک ایران، نشر دانش، تهران، ۱۳۵۴.

ب) مقالات

۴۴. اسماعیلی، اسماعیل، اکل مال به باطل در بینش فقهی شیخ انصاری، مجله فقه، شماره ۱، ۱۳۷۳

۴۵. امامی، اسدالله، قطبی، میلاد، اصل زعیم، امیرحسین، بررسی مبانی مالکیت معنوی و احراز آن در صدر اسلام، نشریه پژوهش های فقهی - حقوقی، شماره اول، ۱۳۹۰

۴۶. بهادر، مرتضی، بررسی نارسایی های سیاست کیفری ایران در مقابله با پدیده قاچاق، مجموعه مقالات برگزیده همایش راهبردهای نوین در پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا و ارز، انتشارات اقتصاد پنهان، تهران، ۱۳۹۰

۴۷. سعیدی نیا، حبیب الله، تحولات تاریخی گمرک ایران و رونق اقتصادی در دوره قاجاریه، مجله تاریخ ایران، شماره ۶۳/۵، ۱۳۸۸

۴۸. سلیمانی حمید، عبداللہی نژاد، عبدالکریم، بررسی مبانی فقهی جرم پول شویی، نشریه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره سوم، ۱۳۸۹

۴۹. قطبی، میلاد، اسماعیلی، محسن، توسعه فقه سیاسی در حوزه اختیارات تقنینی حکومت مبتنی بر آراء امام(ره)، نشریه پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۱۳۹۲

۵۰. محقق، مصطفی، نگاهی به سیر تاریخی پدیده قاچاق، ریشه ها و عوامل آن، روزنامه رسالت، ۱۳۸۹/۱۲/۱، صفحه ۲۵. قابل دسترسی در آدرس:

<http://www.resalat-news.com/Uploads/Pdf/۷۲۰۸۳۱.pdf>

۵۱. ملک افضلی اردکانی، محسن، آثار قاعده حفظ نظام، مجله حکومت اسلامی، سال پانزدهم، شماره چهارم، ۱۳۸۹

۵۲. وطن پور، علیرضا، قاچاق کالا؛ امنیت اقتصادی، مجموعه مقالات برگزیده همایش راهبردهای نوین در پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا و ارز، انتشارات اقتصاد پنهان، تهران، ۱۳۹۰

ج) پایان نامه

۵۳. فتحی، فاطمه، گمرکات حاشیه شمالی خلیج فارس در دوره پهلوی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان، استاد راهنما: علی اکبر کجباف، ۱۳۸۹

